

متن پرسش

سلام علیکم: در پاسخ به یکی از پرسشها فرمودید که اصلی‌ترین مشکل ما، نداشتن گشودگی به هم در عین حفظ اصول است. جداً امروز در سطح نیروهای فرهنگی، مشکل اساسی پیش آمده است. یکی اینکه بسیاری اوقات برای جذب افراد، چنان از اصول فاصله می‌گیرند و یا برای اینکه بین افراد مختلف مطرح شوند که اینها دغدغه‌مند هستند، رسماً با ریشه‌ها و مبانی، به صورت عجیبی برخورد دارند و حتی گاهی چنان سیاه‌نمایی و فضاسازی در برابر انقلاب و نظام می‌کنند که بسیار تعجب‌آورست و حتی در مباحث معرفت‌دینی هم با رویکرد عجیبی کار خود را پیش می‌برند و چنان برخورد می‌کنند که انگار بله ما خودمان مخالف این ساختارها هستیم و انقلاب از ریشه‌ها فاصله گرفته و منحرف شده و ما در یک انحطاط بسر می‌بریم و برای تصدیقش هم متأسفانه دست به فضا سازی می‌زنند. این‌که شخصیتی و معممی مثل آقای زائری چنین با مبانی دینی و انقلاب و نظام برخورد کنند جداً تعجب‌آورست و حتی گاهی به نظر می‌رسد رسماً دارند دست از مبانی و ریشه‌ها می‌کشند. آقای مهدی نصیری که بسیار تعجب‌آورتر کار می‌کنند و با تمدن اسلامی مخالفت کرده و استفاده از تجارب همین نظام‌های سکولار برای مدیریت و رفع مشکلات در عین اعتقاد به مهدویت را راهگشای عصر غیبت می‌دانند و حتی درباره‌ی حجاب هم مواضع عجیبی گرفته و روندی مانند مباحث شریعت سهله که در اواخر دهه هفتاد مطرح می‌شد را پیش گرفته‌اند. از طرفی قبول دارم برخی با کمترین مبحثی افراد را از قطار انقلاب و نظام پیاده می‌کنند و یا تاب و تحمل کار فرهنگی در کنار آنان را ندارند و یا حتی افرادی که در مبانی و ریشه‌های اسلامی و انقلاب معتقدند ولی در یکی دو مسئله مواضع دیگری ممکن است پیدا کنند را غیر انقلابی می‌خوانند و به قصد عدم انحراف در مسیر، از ارتباط درست و متقن هم نارسایی و کاستی قابل تامل دارند. حضرت آقا هم در همین مباحث فرموده اند دایره انقلاب را گسترده و هدایت و بصیرت‌افزایی و گفتمان سازی کنید و از طرفی سخت بر روی مبانی پافشاری کنید و از مبانی کوتاه نیایید و مراقب باشید به طرف افراد منافق یا بی‌اعتقاد هم نروید و در آن راستا قرار نگیرید. و جداً مشکل در همین دو بحث است که جمع‌کثیری هدفشان به جای هدایت و بصیرت‌افزایی و تربیت نیروهای انقلابی صاحب فکر و توانمند و در عین حال نشان‌دادن مبانی اسلام و انقلاب و تمدن اسلامی در قالب گفتمان ویژه گفتمان هنری رسانه‌ای و تولیدات فرهنگی _ هنری، جذب افراد حتی در ازای سیاه‌نمایی و فضاسازی‌های حیرت‌آور و مخالفت یا کاستی و اصلاحگری مبانی و پرداختن به مسائلی تعدد قرائت‌ها در دین و تساهل و تسامح و تحریف شرایط تاریخی که حتی موجب گلایه و ناخشنودی حضرت آقا در سخنان عید قربان شد؛ است و از طرفی عدم آشنایی با

مقتضیات کار قوی فرهنگی من جمله تولید آثار فاخر جذاب و عدم تخاطب مستحکم و حکیمانه در راستای گشودن افق متعالی انقلاب مقابل افراد و عدم دست گشاده و روی مهربان در برابر افراد و بیرون کردن آنها از دایره انقلاب حتی بخاطر چند مسئله یا موردی اختلافی و عدم اعتقاد به ارتباط درست با مردم ویژه نسل پس از پیروزی انقلاب، هم یک مورد و مسئله و امر ناصواب دیگر است. بیخشید اطاله کلام کردم خواستم کمی بحث از اجمال در بیاید تا فرصت و مجال شود در این باره، باب بیانات حضرتعالی هم مفتوح شود و در این باره بیانات خودتان را بفرمایید. به جهت تجارب کار فرهنگی و مشغول بودن به آن، آنچه به نظرم رسید این بود و به نظرم رسید عرض کردم و امید دارم ان شاء الله مبنا و منظومه فکری_عملی ما در کار فرهنگی جداً همان مبنای بیانیه‌ی گام دوم انقلاب و هدایتگری و بصیرت‌افزایی و تولید محتوا و اثر و کرسی‌های آزاد اندیشی و تعمق در حدّ جذاب و فاخر و مهم‌تر توانمند سازی و تعلیم نیروهای فرهنگی دغدغه‌مند به انقلاب و تلاش در راستای صاحب فکر شدن آنها بر اساس مبادی مشخص مثل نظام فکری امامین انقلاب، علامه طباطبایی، شهید مطهری و شهید آوینی و علامه مصباح باشد.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در این مورد صد سینه سخن در میان است. وقتی توحید به صحنه‌ی تاریخی ما در میان آید، از آنجایی که توحید نافذ است و هرچه جلو بیاید گستره‌ی خود را بیشتر می‌کند و همچون ذاتش، جهان بیشتری را در برمی‌گیرد. دیروز یعنی در ابتدای انقلاب اسلامی باید مواظب بودیم که در دریاچه‌ی توحیدی انقلاب اسلامی رودی گل‌آلود ورود نکند تا کلّیت دریاچه را گل‌آلود کند، ولی توحید انقلاب همچنان گسترده و گسترده شد در آن حدّ که امروز اقیانوسی شده است که هزاران رود گل‌آلود را در آغوش می‌گیرد، آلودگی‌های آنها را فرو می‌نشاند و آنها را از آن خود می‌کند.

اگر به هر دلیلی نسبت به انقلاب با روحیه‌ی مقدس‌مآبانه گرفتار تحجر شدیم، انقلاب را دفن کرده‌ایم. رهبر معظم انقلاب فرمودند انقلاب مثل یک موجود زنده است، همواره در حیات جدیدی باید خود را تجربه کند، ایشان در ۲۶ تیرماه سال ۹۸ حکمی به امام جمعه بندرعباس دادند. بنده خواهش می‌کنم به جملاتی که در آن حکم هست دقت فرمایید. می‌فرمایند: «تقویت جریان انقلابی و جوانان مؤمن و رویی گشاده و دست مهربان با عموم طبقات، توصیه‌ی مؤکد من است.» «عموم مردم در این پیام چه کسانی‌اند؟ در حالی که قبل از آن فرموده‌اند تقویت جریان انقلابی و جوانان مؤمن. آیا عموم مردم جز مردمی خواهند بود که نه در راستای تقویت جریان انقلابی قرار دارند و نه در راستای جوانان مؤمن؟ بنده همان زمان که این پیام را دیدم به رفقا عرض کردم این پیام نشان می‌دهد انقلاب وارد مرحله‌ی دیگری شده که می‌تواند مردم معمولی را که به ظاهر نسبتی با انقلاب و حتی اسلام ندارند در بر بگیرد

و آن‌ها را از آن خود بداند، همان آدم‌هایی که نه انقلابی هستند و نه کاری به انقلاب دارند و نه مؤمن می‌باشند. شما باید نسبت‌تان را با این‌ها تغییر دهید، آن‌هم با رویی گشاده و دستی مهربان. آیا این پیام خبر از آن نمی‌دهد که این انسان‌ها که به ظاهر ربطی به انقلاب ندارند، دیگر خود را در تاریخ مدرن معنا نمی‌کنند، هرچند ظاهرشان مدرن است؟ و باید آن‌ها را از خود بدانیم و ما این را در تشییع پیکر شهدایی مثل شهید حججی و شهید حاج قاسم سلیمانی دیدیم که چه کسانی خود را وابسته به آن شهدا احساس می‌کردند که از نظر ظاهر تحت تأثیر فرهنگ غرب بودند.

باز عرض می‌کنم بحث بسیار است. اگر تا دیروز باید از «دیگری» بترسیم، امروز در فضای توحیدی انقلاب اسلامی بسیاری از آن‌هایی که «دیگری» بودند در درون خود نوعی احساس یگانگی با ما دارند مشروط بر آن‌که از ترس آن‌که دریاچه‌ی ما گل‌آلوده نشود، از اقیانوس بودن خود غفلت نکنیم. در این مورد عرایضی در جزوه‌ی «انقلاب اسلامی و عصری جدید در گام دوم» شده است. شاید موجب گشودگی راهی باشد که فراموشش کرده‌ایم. موفق باشید